

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۱/۱۷

پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۳/۱۷

نوع مقاله: پژوهشی

10.52547/mth.12.24.81

بررسی تطبیقی پوشش سر مردان ادوار تیموری و صفوی (مطالعه موردی نگاره‌های شاهنامه بایسنقری و شاه‌طهماسبی)

علیرضا شیخی* راضیه عنایتی** زینب مخملی*** مریم توسلیان**** نجمه صفاری*****

چکیده

پوشش سر از اجزای فرهنگ پوشاک ایران بوده که ضمن القای مفاهیمی ویژه، از تنوع بسیاری برخوردار بوده و نماینده طبقات اجتماع است. هدف مقاله، شناخت فرم پوشش سر مردان در دوره تیموری و صفوی است. بنابراین، مقاله به دنبال پاسخ این پرسش‌هاست: شکل‌های پوشش سر در نگاره‌های دو شاهنامه بایسنقری و شاه‌طهماسبی کدام است و وجوه اشتراک و افتراق آن‌ها چیست؟ رویکرد این پژوهش کیفی بوده و روش، توصیفی، تاریخی و تطبیقی است. در این سیر تاریخی، فرم کلاه‌ها، کلاه‌خودها، عمامه‌ها و تاج‌ها در دو شاهنامه مذکور مورد تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که پوشش سر مردان دوره تیموری نشان‌دهنده شغل، مذهب و موقعیت اجتماعی ایشان بوده است. همچنین، شاهد تأثیرپذیری فرم سرپوش‌ها از هنر خاور دور بوده که نتیجه ارتباطات تجاری و سیاسی تیموریان با دربار چین است. در این دوره استفاده از عمامه به دلیل مسائل مذهبی، بسیار رایج بوده و تمامی افراد اجتماع، با هر جایگاه اجتماعی، از این سرپوش استفاده می‌کردند. در مورد سرپوش مردان صفوی باید گفت که پوشش سر متأثر از دوره تیموری بوده، اما تنوع فرم سرپوش‌ها نسبت به دوره پیشین تغییرات قابل‌تأملی داشته است که می‌توان مذهب را از تأثیرگذارترین دلایل آن برشمرد. تاج قزلباش یا عمامه دوازده‌ترکی با میله قرمز رنگ - نماد شیعیان دوازده‌امامی - از نمونه‌های بارز آن است. همچنین، با توجه به سبک، فرم، رنگ و تزیین کلاه و سرپوش‌ها می‌توان جایگاه اجتماعی افراد را درک کرد.

کلیدواژه‌ها: تیموری، صفوی، نگارگری شاهنامه بایسنقری، نگارگری شاهنامه شاه‌طهماسبی، پوشش سر

a.sheikhi@art.ac.ir

enaiaty5@gmail.com

makhmali1379@gmail.com

maryam.tavasoliyann@gmail.com

najme.saffari7792@gmail.com

* دانشیار، گروه صنایع دستی، دانشکده هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر، تهران (نویسنده مسئول).

** کارشناسی‌ارشد هنر اسلامی، مؤسسه آموزش عالی فردوس، مشهد.

*** کارشناسی طراحی لباس، دانشکده الزهرا (س)، مشهد.

**** کارشناسی طراحی لباس، دانشکده الزهرا (س)، مشهد.

***** کارشناسی طراحی لباس، دانشکده الزهرا (س)، مشهد.

مقدمه

تیموریان در فاصله سال‌های ۹۱۱-۷۷۱ ه.ق. و صفویان در سال‌های ۱۱۴۸-۹۰۷ ه.ق. بر ایران حکومت کردند. باید گفت، دوره تیموری، دوره شکوفایی هنر و دوره صفوی، تداوم آن است. از جمله نسخ بسیار فاخر و ارزشمند، شاهنامه بایسنقری و شاهنامه شاه‌طهماسبی است. هدف نوشتار، شناخت نقش و فرم پوشش سر مردان در دوره تیموری و صفوی است. بنابراین، این سؤال مطرح می‌شود که فرم سرپوش‌های مردانه شاهنامه بایسنقری و شاه‌طهماسبی کدام است و وجه افتراق و اشتراک آن‌ها چیست؟ در دوره تیموری استفاده از کلاه، زیاد مرسوم نبوده و بیشتر عمامه بر سر می‌گذاشتند یا از نوارهای زینتی برای نگه داشتن موها استفاده می‌کردند. شاید بتوان گفت، بهره‌گیری از کلاه، در نتیجه ارتباط با دربار چین بوده است. کلاه‌هایی که در نگاره‌ها آمده، کوتاه، لبه‌دار، مدور و مخروطی شکل هستند؛ گرچه شایان ذکر است که این فرم‌ها نماینده طبقات اجتماعی بوده است. دستار یا همان پارچه بلند سفید دور کلاه، از تنوع قابل توجهی برخوردار بوده است. در عصر صفوی، عرقچین با فرمی مدور، بیشتر رواج داشته که با شکل‌های جالبی بر آن دستار پیچیده می‌شده است. از این عصر عملاً کلاه‌ها بلندتر شده و بر آن، درزها با هیبتی جدید افزوده شد. توجه ویژه به دستار هنوز در بین اقوام ایرانی و روحانیت حائز اهمیت است؛ اگرچه طول باند آن، در نقاشی از حد معمول گذشته و شاید در بهره‌گیری از زیبایی قلم‌گیری در نگارگری، مورد توجه بوده است.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی کلی در زمینه پوشاک انجام شده است؛ از جمله: شیخی و میرصانع (۱۳۹۸) در مقاله «مطالعه تطبیقی فرم سرپوش شاهانه در دوره‌های صفوی و قاجار» به بررسی فرم و طرح پوشش سر در دوره‌های مذکور پرداخته‌اند. یوسف‌پور و فیاض‌انوش (۱۳۹۵) در مقاله «بررسی تاریخی پوشش سر در عصر تیموری» به معرفی انواع پوشش سر زنانه و مردانه براساس نگاره‌های موجود در دوره تیموری پرداخته‌اند. امجدی (۱۳۹۸) در مقاله «بررسی تحولات سرپوش مردان در نگاره‌های صفوی، براساس تحلیل منتخبی از نگاره‌ها»، نقوی و مراثی (۱۳۹۱) در مقاله «مطالعه تطبیقی کلاه مردان در سفرنامه‌ها و نگاره‌های دوران صفوی با تأکید بر دیوارنگاره‌های کاخ چهلستون اصفهان»، بلایی اسکویی و طبقچی سالم (۱۴۰۰) در مقاله «مطالعه تطبیقی سرپوش‌ها و آسمانه‌های تصویرشده در نگاره‌های دوره صفوی با تأکید بر جنسیت (نمونه‌های موردی: شاهنامه رشیدا و هفت‌اورنگ جامی)» به بررسی

انواع سرپوش‌ها در دوره صفوی، براساس نگاره‌های موجود پرداخته‌اند. انصاری یکتا و احمدی پیام (۱۳۹۳) نیز در مقاله «بررسی تطبیقی پوشش زنان تصویرشده در شاهنامه بایسنقری و شاه‌طهماسبی» به بررسی پوشش زنان در نگاره‌های دو شاهنامه مذکور پرداخته‌اند. همچنین، در کتب «سیر تاریخ و تحولات پوشاک در ایران» از محمدی (۱۳۹۲)، «هشت‌هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی» از غیبی (۱۳۸۵) و «تاریخچه پوشش سر در ایران» از شهشهانی (۱۳۷۴)، پوشش سر در ادوار مختلف ایران بررسی شده است. با توجه به پیشینه ذکر شده می‌توان گفت که بررسی تطبیقی پوشش سر در دو شاهنامه بایسنقری و شاه‌طهماسبی به صورت ویژه مورد مذاقه قرار نگرفته است.

روش پژوهش

رویکرد این پژوهش کیفی بوده، به لحاظ هدف کاربردی و روش، توصیفی و تحلیلی است. جمع‌آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و با استفاده از سایت‌های اینترنتی بوده است. در تحلیل، نخست به بررسی جایگاه سرپوش در ادوار تیموری و صفوی اتمام شد، سپس فرم و شکل‌های مختلف سرپوش‌ها در دو اثر موردنظر (شاهنامه بایسنقری و شاهنامه شاه‌طهماسبی) مورد شناسایی و دسته‌بندی قرار گرفت و در قالب جداولی، گونه‌شناسی آن‌ها ارائه شد. در گام نهایی، به مطالعه تطبیقی انواع سرپوش مردان در دو شاهنامه بایسنقری و شاه‌طهماسبی پرداخته شد که شامل تاج، عمامه و دستار، کلاه و کلاه‌خود است. نمونه‌گیری به شیوه تمام‌شماری بوده و تمامی سرپوش‌های مردان در ۲۳ نگاره شاهنامه بایسنقری و ۲۵ نگاره ارائه‌شده از شاهنامه شاه‌طهماسبی، در کتاب «مرقع شاهنامه شاه‌طهماسبی» (یساولی، ۱۳۶۹) مورد بررسی قرار گرفت.

جایگاه اجتماعی و نقش سرپوش در دوره تیموری

پوشش سر علاوه بر حفاظت افراد در برابر حوادث طبیعی، سرما و گرما، در محافظت از سر و صورت نقش بسزایی داشته و نشان‌دهنده موقعیت اجتماعی، شغلی، مذهبی، نژاد و قومیت‌های گوناگون بوده است. به غیر از کلاه، تاج نیز در میان بزرگان و پادشاهان جایگاه والایی داشته و می‌توان گفت که در طول تاریخ نشان‌دهنده جایگاه سیاسی و اجتماعی افرادی بوده که از آن استفاده می‌کردند (رحیمی، ۱۳۸۵: ۱۹۹). «بدین ترتیب، انسان ایرانی، هنر، خلاقیت، شخصیت و منزلت اجتماعی خویش را با پوششی که بر سر نهاده و گاه از سر دور ساخته، ابراز کرده است. در داستان‌های عامیانه نیز

باعث افزایش اعتبار میان دیگر کشورها شد و راه بازرگانی را با سایر ملل هموار کرد. «او با سایر سلاطین عثمانی روابط سیاسی برقرار کرد و بر حجم دادوستد بازرگانی و تجاری با مصر و هند افزود. در زمان او، روابط سیاسی و بازرگانی بین ایران و چین وارد دوره جدیدی شد و این امر باعث گسترش ارتباطات هنری میان دو کشور شد» (آژند، ۱۳۸۷: ۲۷). ارتباط با کشور چین اگرچه کوتاهمدت بود، «موج جدیدی از تأثیر نقش‌مایه‌های چینی را در هنر تیموری به‌دنبال داشت» (همان). باید گفت که نفوذ هنر چینی، به‌خصوص هنر دوره مینگ، در هنر ایرانی باقی ماند، اما هنرمندان ایرانی از سبک هنر چینی برای رسیدن به اهداف خود استفاده کردند. در واقع، هنرمند برای بیان حس معنوی، از هنر چینی و برای بیان جنبه‌های تزئینی، از هنر ایرانی در نگاره‌های خود استفاده کرد (همان: ۵۳).

در زمینه پوشش نیز شاهد تأثیرپذیری تن‌پوش‌های ایرانی از نقاشی‌ها و پوشش مردم چین هستیم. این تأثیرپذیری در ابتدا در لباس شاهزادگان و درباریان و افراد عالی‌مقام و سپس در میان مردم و نظامیان رایج شد. از این‌رو، پوشش ایلخانیان و تیموریان، ترکیبی از عناصر پوشاک و زیورآلات ایرانی به‌همراه عناصری از پوشاک چینی است (محمدی، ۱۳۹۲: ۱۵۶).

جایگاه اجتماعی و نقش سرپوش در دوره صفویه

سرپوش در دوره صفوی چنان ارزش و تحولی پیدا می‌کند که به‌مثابه وجه تمایز مطرح می‌شود. در این دوره، برداشتن کلاه یا دستار از سر و برهنه بودن سر در میان جمع، کاری زننده تداعی می‌شد. علاوه‌براین، در این دوره شاهد پوششی به نام تاج قزلباش قرمز رنگ هستیم. این نوع کلاه یا تاج دوازده‌ترکی ویژه صفویان و اهل فتوت بوده که می‌خواستند ارادت و خلوص خود را به حضرت علی (ع) و دوازده امام نشان دهند. چین‌خوردگی‌ها یا ترک‌های این کلاه نباید از عدد ۱۲ کمتر یا بیشتر می‌بود و این نشانه مذهب صفویان بود که شیخ حیدر اردبیلی مروج آن بوده است (غیبی، ۱۳۸۵: ۴۳۷). رنگ طلایی و قرمز از جمله رنگ‌های مورد استفاده در تاج سلاطین بوده و برای این کلاه، رنگ قرمز را انتخاب نمودند. از آنجاکه در اویش و صوفیان این کلاه را بر سر می‌گذاشتند، آن را تاج نام نهادند. در دوره سلطنت شاه اسماعیل صفوی سربازان و سپاهیان این کلاه را بر سر گذاشتند و خود را قزلباش نامیدند. بعدها این کلاه، ویژه درباریان و فرماندهان شد و مردم عادی حق استفاده از آن را نداشتند (همان). این جنگجویان چادر نشین به‌مثابه نشان امتیاز، عمامه‌ای که

تغییر شخصیت و بینش جدید را با تغییر کلاه یا با استفاده از کلاه‌های سحرآمیز نشان داده‌اند. از انواع مواد مانند فلز، نمد، پارچه، پشم، پوست، کاغذ و... با انواع تزئینات همچون کنده‌کاری، گلدوزی، جواهردوزی، ترصیع‌کاری و گل‌آرایی استفاده کرده‌اند تا موقعیت‌های متفاوت را نشان دهند» (شهشهانی، ۱۳۷۴: ۱۳).

به‌طور کلی پوشش سر در دوره تیموری، به لحاظ ارتباط با دربار چین متحول شد و می‌توان تصویر خاور دور را در پوشش سر این دوره مشاهده کرد. در این دوره، تنوع پوشش کلاه به‌صورت گسترده قابل مشاهده است (محمدی، ۱۳۹۲: ۱۵۸)، اما می‌توان گفت، طبقه‌بندی اجتماعی بر حسب کلاه یا سرپوش، در این دوره بیان نمی‌شد، بلکه اغلب پادشاه با اغراق در سرپوش و تجملات، خود را از باقی افراد اجتماع جدا کرده است. در این دوره، جنس کلاه‌ها از نمد، پوست، پارچه لاف‌دار و پشم بوده و با استفاده از چیزی شبیه به گل و برگ، جلوی کلاه را تزئین می‌کردند. گاهی در میان کلاه‌ها طرح‌هایی به حالت شیار، قوس یا گردشی از نقوش ایجاد شده که یادآور سده‌های اولیه و پیش از اسلام است. تاج دارای تزئینات بسیار مجللی بوده و معمولاً کنگی این تاج‌ها قبه‌مانند و دور قبه را لبه‌ای بلند و طلایی‌رنگ فرا گرفته است. به‌طور کلی می‌توان گفت که در دوره تیموری، به‌دلیل اینکه کلاه را نمادی از کفر و الحاد و عمامه را نمادی از ایمان به اسلام می‌دانسته‌اند (آریانا، ۱۳۹۳: ۶۵) عمامه رونق بیشتری داشته است. غالباً دستارها سفید رنگ بوده و دور کلاه‌هایی قبه‌مانند، به رنگ‌های آبی، قرمز، سبز و زرد بسته می‌شده است. «در آغاز اندازه عمامه کوچک بود و منحصراً روحانیون، دانشمندان، وزیران و مقاماتی از این دست بر سر می‌گذاشتند، سپس طبقات دیگر اجتماع از آن استفاده کردند» (یوسف پور، ۱۳۹۵: ۲۰۰). در دوره تیموری عمامه یا دستار به شکل‌های گوناگون به دور سر پیچیده و گاهی روی آن‌ها سوزن‌دوزی دیده می‌شود. در طبقه‌بندی بعدی، شاهد استفاده از کلاه‌پوستی و کلاه‌خودهای فلزی برای سپاهیان، در زمان جنگ هستیم (محمدی، ۱۳۹۲: ۱۵۹). این نوع کلاه برای سربازان و فرماندهان کاربردی بود. جنس این کلاه از فلز و فولاد بوده و با هدف حفظ و نگهداری سر و صورت از خطر ادوات جنگی، مورد استفاده بوده است (غیبی، ۱۳۸۵: ۴۲۴). همچنین، در مینیاتورها نمونه‌هایی از این کلاه‌ها را می‌توان دید که با زائده‌هایی برای پوشاندن گوش، نمایان شده‌اند. نصب پر و بیرق نیز در مرکز کلاه‌خودها هنگام نبرد رایج بوده است.

در زمان حکومت تیمور، ارتباط او با دربارهای خارجی

۱۲ خط ارغوانی (سرخ) داشت، به افتخار دوازده امام شیعه بر سر می‌نهادند. موجودیت این قزلباش‌ها تقریباً در سراسر تشکیلات ارتش صفویه ادامه داشت (همان: ۴۱۷). می‌توان گفت که این پوشش سر (تاج قزلباش)، تداعی‌کننده حکومت صفوی است. شکل این پوشش از آغاز سلطنت صفویان تا پایان به تدریج تکامل یافته است.

روحانیون عموماً از دستار یا دلیند استفاده می‌کردند. دستار غالباً از پارچه سفید درشتی تهیه می‌شد که روی آن پارچه لطیف ابریشمین زرتاری می‌پیچیدند. روحانیون نیز روی کتان درشت و خشن پارچه بسیار نازکی می‌پیچیدند (همان: ۴۴۰). عوام عموماً دستار و عمامه‌ای بر سر می‌گذاشتند که به «مندیل» شهرت داشت. مندیل در حدود ۸ تا ۱۰ متر پارچه کتانی است که دور سر، به شکل عمامه پیچیده می‌شد و بعضی دارای خطوط طلایی و شیرشکری بوده‌اند. سیدها که اولاد حضرت محمد (ص) هستند، مندیل‌هایشان زائده‌ای سبزرنگ دارد که روی شانه‌شان آویزان است. گاهی اوقات مردان به جای مندیل از کلاه‌پوستی نیز استفاده می‌کردند که بنا به گفته‌ی الثاریوس، مانند ابریشم نرم و ظریف و درعین حال گران‌بها بود و نیز گاهی کلاه نمدی نوک‌تیزی به کار می‌بردند که روی آن عمامه پیچیده می‌شد (همان: ۴۴۲).

طاس نیز کلاه‌خودی با زائده نوک‌تیز در وسط کلگی بود و بالای آن پرچی کوچک برای تشخیص سپاهیان خودی قرار می‌دادند. گاهی اوقات این کلاه‌خودها را با جمله‌های شعارگونه یا دعا تزئین می‌کردند. بخشی هم داشت که به صورت حلقه‌وار سراسر گوش‌ها و پشت گردن را در بر می‌گرفت. درنهایت می‌توان ادعا داشت که ما شاهد طبقه‌بندی اجتماعی افراد توسط سرپوش آن‌ها هستیم. مثلاً افراد درباری، بزرگان و اعیان در این دوره از تاج طومار استفاده می‌کردند تا آن‌ها را از کلاه‌های ساده محافظان ترک‌نژاد و همچنین کلاه صوفی‌ها و نگهبانان داخل کاخ جدا سازد. شاه عباس همیشه تاج قزلباش را با دستار سبز ابریشمین بر سر می‌نهاد و عمامه عادی او دستاری سفید یا پارچه سرخی بود که خطوط سپید نقره‌ای داشت. همچنین، باید دانست که تاج کلاه، نشانه اعیان و کارگزاران دولت بود.


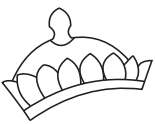

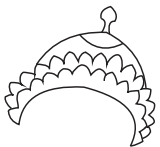

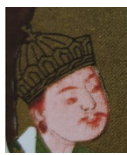



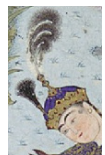
«صفویان روابط دیپلماتیک خود را با اروپاییان گسترش دادند و بین آن‌ها بارها سفیرانی ردوبدل شد. در این روابط، هم مسائل بازرگانی و هم عوامل سیاسی مؤثر بود. این راه دریایی، خاور دور را به‌روی اروپاییان گشود و موجب شد که عثمانیان جهت فشار سیاسی خود، راه را از ایران، به دریای سرخ و اقیانوس هند تغییر دهند. ایران به هندی‌ها، انگلیسی‌ها و پرتغالی‌ها و بعدها فرانسوی‌ها اجازه داد تا در خلیج فارس

برای خود پایگاه‌های تجاری برپا کنند و هندیان نیز از این سیاست تجاری به منافی دست یافتند. این کار برای ایرانیان حقوق گمرکی و برای اروپاییان پیدا کردن بازارهای جدید در پی داشت. ورود اروپاییان به خلیج فارس رقابت آن‌ها را نیز در زمینه‌های تجاری و سیاسی شدت بخشید» (آژند، ۱۳۸۷: ۱۴).

ایران از طریق شمال روسیه راه تجاری جدیدی را به اروپا باز کرد تا بتواند دست عثمانی‌ها را از حقوق گمرکی ابریشم و ادویه کوتاه کند. راه ابریشم به ایران و جاده ادویه هند به اروپا می‌رسید. پارچه‌ها و قالی‌های ایران از این راه وارد کشورهای اروپایی می‌شد و از اروپا هم یک‌سری سلاح گرم، نقاشی‌های ایتالیایی، ساعت، ظروف چینی و حتی بعضی صیفی‌جات که مردم ایران آن‌ها را نمی‌شناختند و همچنین تصاویر چاپ‌شده به ایران صادر می‌شد. لازم به ذکر است که با گسترده شدن روابط بازرگانی و سیاسی به اروپا، سهولت و تساهلی در دولت ایران رشد کرد. جمعیت‌هایی از قبیل گرجی، ارمنی و هندی در روستاها و شهرهای بزرگ ایران سکونت کردند و وارد بازار تجارت شدند. علاوه بر این، میسیونرهای مذهبی، اعم از کرم‌لیت‌ها، آگوستینی‌ها، ژزویت‌ها و کاپوسین‌ها به ایران روی آوردند و در شهرهای ایران، از جمله اصفهان، به فعالیت پرداختند (همان: ۱۵). «همچنین، بازسازی ارتش ایران اولین دریچه ورود اروپاییان و به‌خصوص فرهنگ و لباسشان به جامعه ایرانی به شمار می‌رفت. این عصر را باید نقطه آغازین نفوذ فرهنگی اروپایی‌ها در ایران دانست» (شریعت‌پناهی، ۱۳۷۲: ۳۰).




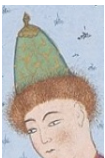
باید به این نکته توجه داشت که نفوذ سبک پوشاک غربی (اکثراً گرجی تا اروپایی) بر پوشاک ایرانیان، از زمان صفویه به بعد آغاز می‌شود. «زطرفی، تغییر و توسعه چندان واضحی در پوشاک ایرانیان طی نیم قرن بی‌ثباتی، مابین اواخر صفویه تا استقرار حکومت قاجاریه، دیده نمی‌شود» (متین، ۱۳۸۳: ۵۱)؛ به‌جز کاهش ظرافت دوخت لباس‌های طبقه بالای جامعه و اضافه شدن واژه‌های ترکی در اسامی مرتبط به پوشاک. از همین دوره تحولاتی در پوشاک به وجود می‌آید و کم‌کم پوشاک ایرانیان شباهت‌هایی به پوشاک اروپاییان، به‌خصوص ترک‌های عثمانی پیدا می‌کند (همان: ۵۲). از مطالعه و پژوهش دقیق «تاریخ عالم‌آرای عباسی» اثر اسکندر بیگ، ملقب به منشی، می‌توان متوجه این نکته شد که دوره صفوی، همچون پیوندی از دید فرهنگ و تمدن مابین دوره قبل و بعد از آن به شمار می‌آید و جلوه‌های این تمدن و فرهنگ که یکی از انواع آن‌ها تن‌پوش است، از این دوره به بعد به آرامی تغییر پیدا می‌کند (غیبی، ۱۳۸۵: ۳۹۴).

جدول ۱. فرم و تزیینات تاج‌ها در شاهنامهٔ بایسنقری و شاه‌طهماسبی

نام نگاره	شاهنامهٔ بایسنقری		شاهنامهٔ شاه‌طهماسبی		
	مجالس شکارگاه	پادشاهی جمشید	تمثیل فردوسی راجع به کشتی تشیع	دربار کیومرث	طهمورث دیوان را شکست می‌دهد
ترسیم خطی					
سرپوش در نگاره	 (شریف‌زاده، ۱۳۹۳: ۸۴)	 (کتابخانهٔ موزهٔ گلستان، شمارهٔ ۷۱۶)	 (URL: 1)	 (URL: 2)	 (URL: 1)
توضیحات	صاحب تاج، پادشاه و رنگ آن طلایی است.		صاحب تاج، پادشاه، سبک و سیاق تاج در ایران باستان را دارد و یکی با پر تزیین شده و از رنگ طلایی و لاجوردی بهره برده است.		

(نگارندگان)

جدول ۲. فرم و تزیینات کلاه‌ها در شاهنامهٔ بایسنقری و شاه‌طهماسبی

نام نگاره	شاهنامهٔ بایسنقری		شاهنامهٔ شاه‌طهماسبی		
	شکارگاه	شکارگاه	دربار کیومرث	هدایای جنگی شاه به وثیقه گذاشته می‌شود	افراسیاب بر تخت شاهی ایرانیان
ترسیم خطی					
سرپوش در نگاره	 (کتابخانهٔ موزهٔ گلستان، شمارهٔ ۷۱۶)	 (کتابخانهٔ موزهٔ گلستان، شمارهٔ ۷۱۶)	 (Oldenburg, 1976: 91)	 (URL: 1)	 (URL: 1)
توضیحات	صاحب کلاه درباری، رنگ کلتگی سفید و طوسی، رنگ لبهٔ کلاه آبی، سبز و قرمز است.		صاحب کلاه درباری، رنگ کلتگی لاجوردی، قهوه‌ای و سبز، مزین به نقوش اسلیمی، زمینهٔ پلنگی و لکه‌های طلایی، لبهٔ کلاه خزمانند از رنگ‌های قهوه‌ای روشن و تیره بهره برده است.		

ادامه جدول ۲. فرم و تزیینات کلاه‌ها در شاهنامه بایسنقری و شاه‌طهماسبی

شاهنامه شاه‌طهماسبی			شاهنامه بایسنقری		نام نگاره
افراسیاب بر تخت شاهی ایرانیان	افراسیاب بر تخت شاهی ایرانیان	تمثیل فردوسی راجع به کشتی تشیع	پادشاهی جمشید	مجلس یکاووس	
					ترسیم خطی
					سرپوش در نگاره (کتابخانه موزه گلستان، شماره ۷۱۶) (شاهنامه بایسنقری، ۱۳۵۰: ۳۸)
(URL: ۱)	(URL: ۱)	(URL: ۱)			
صاحب کلاه خدمتکار و درباری، رنگ کلگی صورتی، عنابی و بنفش روشن، مزین به نقوش اسلیمی؛ لبه کلاه به رنگ‌های سفید، نخودی و لاجوردی، مزین به نقوش اسلیمی			صاحب کلاه درباری، رنگ کلگی طوسی و سبز، رنگ لبه کلاه آبی، سوسنی و قرمز است.		
افراسیاب بر تخت شاهی ایرانیان	طهمورث دیوان را شکست می‌دهد	داستان هفتواد و کرم	شکارگاه	پادشاهی جمشید	نام نگاره
					ترسیم خطی
					سرپوش در نگاره (کتابخانه موزه گلستان، شماره ۷۱۶) (کتابخانه موزه گلستان، شماره ۷۱۶)
(URL: 1)	(URL: 1)	(Oldenburg, 1976: 173)			
صاحب کلاه درباری، به رنگ‌های قرمز، سفید و نخودی با زمینه طرح‌دار، لاجوردی، سبزه روشن و سبزه‌آبی، مزین به نقوش اسلیمی به چشم می‌خورد.			صاحب کلاه درباری، رنگ کلگی سفید و قرمز، رنگ لبه کلاه لاجوردی و مشکی است.		
تمثیل فردوسی راجع به کشتی تشیع	جشن سده	زال در کابل پیمان بندگی مهرباب را می‌پذیرد	مجلس یکاووس	مجلس یکاووس	نام نگاره
					ترسیم خطی
					سرپوش در نگاره (کتابخانه موزه گلستان، شماره ۷۱۶) (کتابخانه موزه گلستان، شماره ۷۱۶)
(URL: 1)	(URL: 1)	(Oldenburg, 1976: 130)			

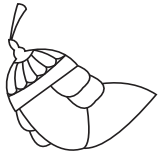
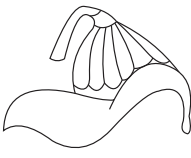






شاهنامه شاه‌طهماسبی		شاهنامه بایسنقری			
توضیحات		صاحب کلاه درباری، رنگ کلگی طوسی، رنگ لبه کلاه عنابی، سبز و سوسنی است.			صاحب کلاه درباری، به رنگ‌های مشکی، زرد و نخودی در یک نمونه لبه برگشت کلاه زردرنگ است.
نام نگاره	ملاقات رستم و اسفندیار	پادشاهی جمشید	جشن سده	شبیخون بر سپاه سرمست ایران	شبیخون بر سپاه سرمست ایران
ترسیم خطی					
سرپوش در نگاره	 (کتابخانه موزه گلستان، شماره ۷۱۶)	 (کتابخانه موزه گلستان، شماره ۷۱۶)	 (۱:URL)	 (۱:URL)	 (۱:URL)
توضیحات	صاحب کلاه درباری، کلاه با کلگی سفید، لبه‌ای به رنگ‌های سبز، سوسنی و قرمز؛ نوار زیر کلاه سبزرنگ است، نمونه دوم طوسی‌رنگ است.			صاحب کلاه نامشخص و درباری، کلگی کلاه با زمینه پلنگی و به رنگ‌های آبی، نارنجی و سفید؛ رنگ لبه کلاه زرد، سبز، بنفش و مشکی است.	
نام نگاره	کشته شدن گرگ‌ها به دست اسفندیار	نبرد رستم و خاقان چین	کابوس ضحاک	طهمورث دیوان را شکست می‌دهد	هدایای جنگی شاه به وثیقه گذاشته می‌شود
ترسیم خطی					
سرپوش در نگاره	 (شاهنامه بایسنقری، ۱۳۵۰: ۳۶۹)	 (شاهنامه بایسنقری، ۱۳۵۰: ۲۲۶)	 (یساولی، ۱۳۶۹: ۱۴)	 (۱:URL)	 (۱:URL)
توضیحات	صاحب کلاه درباری و نامشخص، رنگ کلگی سفید و لبه کلاه مشکی و عنابی است.			صاحب کلاه درباری، کلگی سفیدمشکی، سفید و آبی با زمینه طرح‌دار، میله وسط کلاه قرمز و رنگ لبه کلاه طلایی است.	
نام نگاره	پادشاهی جمشید	پادشاهی جمشید	شبیخون بر سپاه سرمست ایران	زال در کابل پیمان بندگی مهرباب را می‌پذیرد	دربار کیومرث
ترسیم خطی					

ادامه جدول ۲. فرم و تزیینات کلاه‌ها در شاهنامه بایسنقری و شاه‌پهماسی

شاهنامه شاه‌پهماسی			شاهنامه بایسنقری		
					سرپوش در نگاره
(Oldenburg, 1976: 91)	(Oldenburg, 1976: 130)	(URL: 1)	(کتابخانه موزه گلستان، شماره ۷۱۶)	(کتابخانه موزه گلستان، شماره ۷۱۶)	
صاحب کلاه درباری و رعیت؛ درمورد اول کلگی بنفش و سفید همراه با لبه سفید و خاکستری، موارد دیگر آبی، قرمز، نخودی و سفید با زمینه پلنگی؛ نوار دور کلاه مورد آخر سفید، مشکی و قرمز است.			صاحب کلاه خدمتکار به رنگ‌های آبی، سبز و مشکی یا با زمینه طرح‌دار پلنگی		توضیحات
دربار کیومرث	دربار کیومرث	دربار کیومرث	-	-	نام نگاره
			-	-	ترسیم خطی
			-	-	سرپوش در نگاره
(URL: 2)	(URL: 2)	(URL: 2)	-	-	
صاحب کلاه رعیت و درباری، کلگی سفید ساده و طرح‌دار و قهوه‌ای، رنگ لبه کلاه مشکی، شیری و سفیدقهوه‌ای است.			-		توضیحات
-	-	رستم جادوگر را با شمشیر از میان دونیم می‌کند	-	-	نام نگاره
-	-		-	-	ترسیم خطی
-	-		-	-	سرپوش در نگاره
-	-	(URL: 1)	-	-	
صاحب کلاه رستم، کلگی کلاه زمینه پلنگی، محافظ گردن، مشکی و طلایی، تزیین شده با پر			-		توضیحات





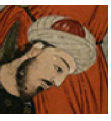

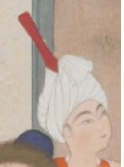


(نگارندگان)

جدول ۳. فرم و تزیینات کلاه‌خودها در شاهنامه بایسنقری و شاه‌طهماسبی

نام نگاره	شاهنامه بایسنقری		شاهنامه شاه‌طهماسبی	
	کشته شدن سیاوش	نبرد رستم و دیو سپید	شبیخون بر سپاه سرمست ایران	قارن بارمان را می‌کشد
ترسیم خطی				
سرپوش در نگاره	 (شاهنامه بایسنقری، ۱۳۵۰: ۱۷۰)	 (شاهنامه بایسنقری، ۱۳۵۰: ۱۰۸)	 (URL: 1)	 (Oldenburg, 1976: 138)
توضیحات	صاحب کلاه‌خود سرباز، رنگ کلاه طلایی و محافظ گردن، مشکلی است.			


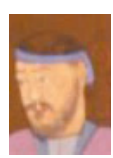
(نگارندگان)

جدول ۴. فرم و تزیینات عمامه‌ها در شاهنامه بایسنقری و شاه‌طهماسبی

نام نگاره	شاهنامه بایسنقری			شاهنامه شاه‌طهماسبی		
	به تخت نشستن لهراسب	پادشاهی جمشید	یزدگرد و منذر	ملاقات	قتل خسرو پرویز	انوشیروان فرستاده‌ای از سوی شاه هند بار می‌دهد
ترسیم خطی						
سرپوش در نگاره	 (URL: 2)	 (کتابخانه موزه گلستان، شماره ۷۱۶)	 (شاهنامه بایسنقری، ۱۳۵۰: ۵۰۵)	 (URL: 1)	 (URL: 1)	 (Oldenburg, 1976: 183)
توضیحات:	صاحب عمامه درباری و خدمتکار، رنگ عمامه سفید و رنگ کلاه میانی قرمز، سبز، آبی و قهوه‌ای؛ رنگ میله قرمز است. کلاه میان دستار با نقوش اسلیمی و دستارها به زنجیر و پر مزین شده است.			صاحب عمامه درباری، رنگ عمامه سفید، صورتی و سبز؛ رنگ کلاه میانی قرمز، زرد، سبز، آبی و قهوه‌ای؛ رنگ میله قرمز است. کلاه میان دستار با نقوش اسلیمی و دستارها به زنجیر و پر مزین شده است.		

(نگارندگان)

جدول ۵. فرم و تزیینات سربند در شاهنامه بایسنقری و شاه‌طهماسبی

شاهنامه شاه‌طهماسبی			شاهنامه بایسنقری	نام نگاره
-			نبرد رستم و دیو سپید	
-	-	-		ترسیم خطی
-	-	-	 (شاهنامه بایسنقری، ۱۳۵۰: ۱۰۸)	سرپوش در نگاره
-			صاحب سربند رعیت؛ رنگ سربند سوسنی است.	توضیحات

(نگارندگان)

فرم و ساختار پوشش سر در دوره صفوی

با مطالعه نگاره‌های شاهنامه شاه‌طهماسبی سرپوش‌های مردان به چهار دسته عمامه، تاج، کلاه و کلاه‌خود قابل تقسیم است. عمامه‌ها به دو صورت قابل رؤیت هستند. در حالت اول، دستار سفیدرنگ به دور کلاه‌های با رنگ‌های متفاوت پیچانده شده است. در حالت دوم، شاهد پیچانده شدن دستار ساده و طرح‌دار به دور تاج قزلباش هستیم. در مواردی میله تاج به‌طور کامل قابل رؤیت و در نمونه‌هایی قسمتی از میله تاج پوشانده شده است. عمامه‌ها معمولاً با یک یا دو پر، زنجیر و مروارید تزیین شده‌اند. فرم کلی تاج‌ها با کلگی مدور، معمولاً به رنگ لاجوردی، بدون قبه یا همراه با قبه طلایی‌رنگ در مرکز کلگی کلاه و معمولاً همراه با لبه‌ای کنگره‌دار طلایی‌رنگ و مزین به سنگ و جواهرات به تصویر کشیده شده است. کلاه‌خودها معمولاً با کلگی مدور به رنگ طلایی و تزیین با خطوط شیارمانند به‌همراه محافظ گردن و گوش و در مواردی، تزیین با پر قابل ملاحظه است. کلاه از پرکاربردترین و متنوع‌ترین نوع سرپوش‌ها به شمار می‌رود که عبارت‌اند از:

- کلاه با لبه برگردان خزمانند و سه نوع کلگی شامل کلگی مدور، مربع‌شکل و مخروطی‌شکل به رنگ‌های مختلف در نگاره‌ها دیده می‌شود.
- کلاه با لبه برگردان دوتکه به‌صورت هفتی‌شکل که با سه نوع کلگی، به‌صورت مدور، مخروطی‌شکل و مربع‌شکل به رنگ‌های مختلف در نگاره‌ها دیده می‌شود.
- کلاه با کلگی مدور همراه با میله‌ای بلند در مرکز کلاه.
- کلاه مثلثی‌شکل همراه با قبه طلایی‌رنگ.

فرم و ساختار پوشش سر در دوره تیموری

با بررسی‌های انجام‌شده در نگاره‌های شاهنامه بایسنقری، می‌توان سرپوش‌های این کتاب را به پنج دسته عمامه، تاج، سربند، کلاه و کلاه‌خود تقسیم کرد. عمامه یکی از پرکاربردترین سرپوش‌های این کتاب است که به حالت دستاری سفید یا نخودی‌رنگ، به‌صورت ساده (بدون کلاه) یا به‌همراه کلاهی در مرکز عمامه استفاده شده است. تاج نیز از جمله سرپوش‌های رایج در نگاره‌های این کتاب به شمار می‌رود که تنها برای شخص شاه است. رنگ این تاج‌ها طلایی و به حالتی مدور همراه با لبه برگشته کنگره‌دار ترسیم شده است. از کلاه می‌توان به‌عنوان متنوع‌ترین سرپوش نام برد. فرم کلی کلاه‌ها را می‌توان به‌صورت کلاه‌هایی مدور با رنگ‌های متنوع، به‌همراه قبه‌ای طلایی‌رنگ در مرکز کلاه، با لبه برگردان یا بدون لبه توصیف کرد. براساس فرم لبه برگردان کلاه، می‌توان آن را به پنج دسته کلاه با لبه برگردان دوتکه به‌صورت هفتی‌شکل، کلاه با لبه برگردان به‌صورت ساده یا با لبه‌ای خزمانند، کلاه با لبه برگردان که ارتفاع لبه در قسمت جلوی کلاه بیشتر از بقیه قسمت‌هاست، کلاه مدور ساده و کلاه بدون لبه و کشیده تقسیم کرد. در دوره تیموری کمتر شاهد تزیینات در پوشش سر هستیم. تنها کلگی کلاه‌ها و تاج‌ها با خطوط شیارمانند تزیین شده و در بعضی از کلاه‌های مدور، زمینه کلاه به حالت پلنگی ترسیم شده است.

شاهنامه بایسنقری به جای استفاده از این دو رنگ، شاهد استفاده از رنگ بنفش هستیم که در شاهنامه شاهپهماسبی برای کلاه‌های میان دستار کاربردی نبوده است.

(ج) تاج: فرم کلی تاج‌ها در دو دوره شبیه به هم بوده و شامل کلگی مدور همراه با لبه برگردان کنگره‌دار بوده است، اما در شاهنامه شاهپهماسبی شاهد تغییر رنگ کلگی تاج‌ها از طلایی به دیگر رنگ‌ها هستیم. همچنین، در این دوره برای تزیین تاج‌ها از پر استفاده شده که در نگاره‌های شاهنامه بایسنقری کاربردی نداشته است. در یک نگاره از شاهنامه شاهپهماسبی لبه کلاه به صورت دوطبقه به تصویر کشیده شده است. در نگاره‌ای دیگر، قبه طلایی رنگ مرکز کلگی کلاه حذف شده است.

(د) کلاه: تنها سه مورد از کلاه‌های موجود در شاهنامه بایسنقری را می‌توان در شاهنامه شاهپهماسبی مشاهده کرد:

- کلاه با لبه‌ای دوتکه و هفتی شکل با کلگی مدور که حالت مربعی شکل و مخروطی شکل کلگی این نوع کلاه در نگاره‌های شاهنامه بایسنقری به چشم نمی‌خورد.
- کلاه با لبه‌ای خزمانند که حالات دیگر این نوع کلاه نیز همانند کلاه فوق، در نگاره‌های شاهنامه بایسنقری دیده نمی‌شود.

- کلاه مدور ساده که لبه‌های این کلاه در نگاره‌های شاهنامه شاهپهماسبی کمی به سمت بالا متمایل شده و با استفاده از شیار و قبه‌ای در مرکز کلگی کلاه آن را تزیین کرده‌اند.

فرم کلی دیگر کلاه‌های موجود در شاهنامه شاهپهماسبی، در نگاره‌های شاهنامه بایسنقری دیده نمی‌شود.

(ه) سربند: تنها در یک نگاره شاهنامه بایسنقری، استفاده از سربند دیده می‌شود، اما به‌طور کلی در شاهنامه شاهپهماسبی از این نوع پوشش سر استفاده نشده است.

از دیگر تفاوت‌های موجود در دو کتاب می‌توان به ترسیم شخصیت رستم پرداخت. در شاهنامه شاهپهماسبی رستم با کلاهی با حالتی شبیه به صورت پلنگ به صورت ساده یا با تزیین پر دیده می‌شود، در حالی که در شاهنامه بایسنقری شخصیت رستم با کلاه خود رزمی به تصویر کشیده شده است. همچنین، می‌توان گفت که در شاهنامه بایسنقری، پادشاهان و بزرگان، همگی از تاج و کلاه استفاده می‌کرده‌اند، در حالی که در شاهنامه شاهپهماسبی به‌جز تاج، استفاده از عمامه دوازده‌ترکی یا تاج قزلباش نیز برای شاه و بزرگان رواج داشته است (نمودار ۱).

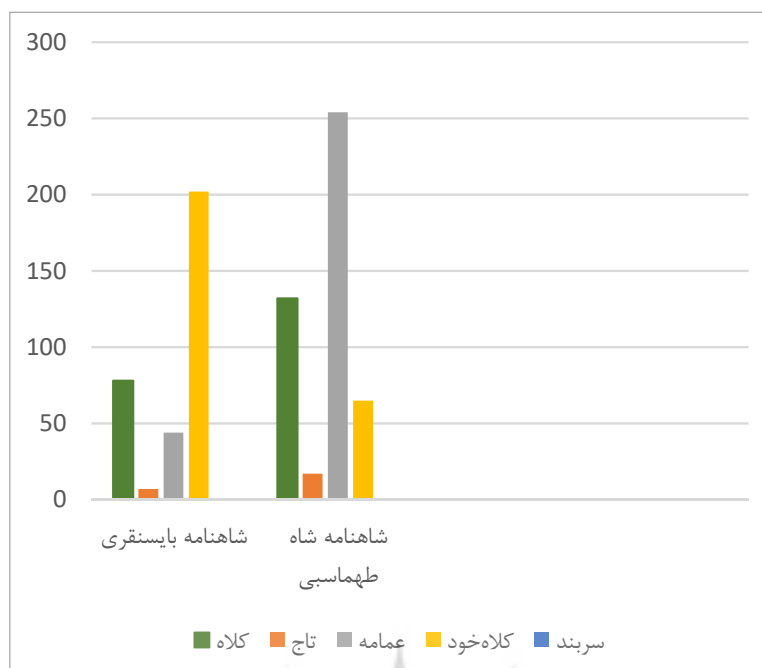
- کلاه مدور ساده که در چند نگاره، لبه‌های کلاه کمی به سمت بالا متمایل شده است.
- کلاه با لبه چاک‌دار که در قسمت پشت به سمت بالا تا زده شده است.
- کلاه با کلگی مخروطی شکل و لبه کشیده به صورت تیز و منحنی.
- کلاه مخروطی شکل با لبه چاک‌دار که جلوی کلاه به سمت بالا متمایل شده است.
- کلاهی به شکل پلنگ همراه با محافظ گوش و گردن که مخصوص ترسیم شخصیت رستم بوده است.
- کلاه با کلگی مخروطی شکل و مدور با لبه‌ای کنگره‌دار.
- کلاه صوفی: کلاه پارچه‌ای که به حالت آزاد روی سر قرار گرفته و نواری دور آن بسته شده است.
- کلاه پارچه‌ای ساده که به حالت افتاده روی سر قرار داشته، هم به صورت ساده و هم همراه با لبه کنگره‌دار به تصویر کشیده شده است. تزیینات کلاه استفاده از نقاط طلایی و قهوه‌ای یا نقوش پلنگی، نقوش اسلیمی، خطوط شیارمانند و قبه طلایی یا مشکی رنگ در مرکز کلگی کلاه است.

گونه‌شناسی سرپوش‌ها در دوران تیموری و صفوی

سرپوش‌های مورداستفاده در این دوران براساس فرم به چهار گونه کلاه خود، عمامه، تاج و کلاه تقسیم شده است.

(الف) کلاه خودها: به‌طور کلی کلاه خودهای موجود در دو دوره، از نظر فرمی و اجزا شبیه به هم بوده و همگی شامل یک کلگی مدور همراه با خطوط شیارمانند به رنگ طلایی، محافظ گردن و محافظ گوش (یک‌پره یا دوپره) هستند. تنها در یک نگاره از شاهنامه شاهپهماسبی، رنگ کلاه خود به رنگ طلایی و عنابی به تصویر کشیده شده و در شاهنامه بایسنقری، در دو نگاره در جلوی کلاه شاهد به تصویر کشیدن محافظ صورت به حالت هفتی شکل هستیم.

(ب) عمامه‌ها: استفاده از دستار همراه با کلاه‌های رنگی در دو دوره کاربرد داشته، اما در شاهنامه بایسنقری تنها از دستار سفید و نخودی به صورت ساده و بدون تزیین استفاده شده است. این در حالی است که در شاهنامه شاهپهماسبی استفاده از دستارهای رنگی طرح‌دار رایج بوده و همچنین عمامه‌ها با استفاده از مروارید، زنجیر و پر تزیین می‌شده است. از دیگر موارد می‌توان به رنگ کلاه‌های میان دستار اشاره کرد. در شاهنامه شاهپهماسبی استفاده از کلاه به رنگ‌های زرد و قهوه‌ای در میان عمامه‌ها رواج داشته، در حالی که در



نمودار ۱. تطبیق سرپوش‌های موجود در هریک از شاهنامه‌های بایسنقری و شاهطهماسبی

نتیجه‌گیری

پوشش سر در سیر تاریخی ایران از تنوع بسیاری برخوردار بوده است. آنچه در این مقاله مورد بررسی قرار گرفت، فرم پوشش سر در دوره تیموری و صفوی براساس نگاره‌های دو شاهنامه بایسنقری و شاهطهماسبی بود. تاج، کلاه، عمامه و کلاه‌خود، چهار پوشش سر اصلی و پرکاربرد در این دو دوره هستند. تاج از جمله سرپوش‌هایی است که در دوره تیموری و صفوی با یک فرم (کلگی مدور همراه با لبه برگردان کنگره‌دار) به تصویر کشیده شده و تنها شاهد تفاوت در رنگ و تزیینات تاج‌ها، در این دو دوره هستیم. کلاه‌ها از متنوع‌ترین سرپوش‌ها در این دو دوره به شمار می‌روند و می‌توان گفت که فرم کلاه‌ها در دوره صفوی، ضمن تأثیرپذیری از کلاه‌های دوره تیموری که شامل کلاه با کلگی مدور و لبه برگردان بود، از تنوع بیشتری برخوردار بوده و شاهد تکامل و پیشرفت بسیاری در فرم و طرح کلاه‌های مورد استفاده هستیم. شایان ذکر است، در این مورد ارتباطات خارجی صفویان تأثیرگذار بوده است. عمامه از رایج‌ترین پوشش‌های این دوره بوده که در دوره تیموری به صورت تک‌رنگ با فرمی ساده یا به همراه کلاه استفاده می‌شده است. در دوره صفوی، با توجه به رسمیت داشتن مذهب شیعی، عمامه دوازده‌ترکی با میله قرمز رنگ (نماد شیعیان دوازده‌امامی) رواج پیدا کرد و عوام، درباریان و پادشاهان، همراه با تزیینات پر و زنجیر از آن استفاده می‌کردند. فرم و ساختار کلی کلاه‌خودهای صفوی تحت تأثیر دوره تیموری بوده و در دو دوره، کلاه‌خودها دارای کلگی مدور همراه با محافظ‌های گوش و گردن به تصویر کشیده شده است.

منابع و مآخذ

- امجدی، آزاده (۱۳۹۸). بررسی تحولات سرپوش مردان در نگاره‌های صفوی براساس تحلیل منتخبی از نگاره‌ها. همایش ملی خوشنویسی و نگارگری، اصفهان. <https://civilica.com/doc/923374> بازبایی شده در تاریخ ۹ بهمن ۱۴۰۲.
- انصاری یکتا، مریم و احمدی پیام، رضوان (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی پوشش زنان تصویرشده در شاهنامه بایسنقری و شاهطهماسبی. زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، دوره ۶ (۴)، ۵۵۱-۵۳۱.
- آریانا، آزاده (۱۳۹۳). تن پوش ایرانیان (از عیلامیان تا پهلوی). چاپ اول، قم: دارالتفسیر.

- آژند، یعقوب (۱۳۸۷). مکتب نگارگری هرات. چاپ اول، تهران: فرهنگستان هنر.
- بلالی اسکویی، آزیتا و طبقچی سالم، میلاد (۱۴۰۰). مطالعه تطبیقی سرپوش‌ها و آسمانه‌های تصویرشده در نگاره‌های دوره صفوی با تأکید بر جنسیت (نمونه‌های موردی: شاهنامه رشیدا و هفت‌اورنگ جامی). نگره، دوره ۱۶ (۶۰)، ۱۷۱-۱۵۷.
- رحیمی، پریچهر (۱۳۸۵). نگرشی بر پوشاک ایرانیان از هزاره پیش از میلاد تا اواخر دوره هخامنشی. چاپ اول، تهران: توس.
- شاهنامه بایسنقری (۱۳۵۰). تهران: شورای مرکزی جشن شاهنشاهی ایران.
- ----- کتابخانه موزه کاخ گلستان، شماره ۷۱۶.
- شریعت‌پناهی، سید حسام‌الدین (۱۳۷۲). اروپایی‌ها و لباس ایرانیان. چاپ اول، تهران: هیرمند.
- شریف‌زاده، عبدالمجید (۱۳۹۴). دو نگاره (تحلیل دو مجلس نگارگری از شاهنامه‌های خطی کتابخانه و موزه ملی ملک و کاخ موزه گلستان). چاپ اول، تهران: پازینه.
- شهشهانی، سهیلا (۱۳۷۴). تاریخچه پوشش سر در ایران. چاپ اول، تهران: مدبر.
- شیخی، علیرضا و میرصانع، عاطفه سادات (۱۳۹۸). مطالعه تطبیقی فرم سرپوش شاهانه در دوره‌های صفوی و قاجار. جلوه هنر، سال یازدهم (۴)، ۴۲-۳۳.
- غیبی، مهرآسا (۱۳۸۵). هشت‌هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی. چاپ اول، تهران: هیرمند.
- قیانداران، وحیبه (۱۳۹۳). تاریخ پوشاک ایرانیان. چاپ چهارم، قم: مهر بیکران.
- متین، بیمان (۱۳۸۳). پوشاک ایرانیان. چاپ اول، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- محمدی، رامونا (۱۳۹۲). سیر تاریخ و تحولات پوشاک در ایران (از دوران پیش از تاریخ تا دوران معاصر). چاپ اول، تهران: مؤسسه جمال هنر.
- نقوی، منیره سادات و مرانی، محسن (۱۳۹۱). مطالعه تطبیقی کلاه مردان در سفرنامه‌ها و نگاره‌های دوران صفوی با تأکید بر دیوارنگاره‌های کاخ چهلستون اصفهان. مطالعات تطبیقی هنر، دوره ۲ (۳)، ۱۷-۱.
- یساولی، جواد (۱۳۶۹). مرقع شاهنامه شاه طهماسبی. چاپ دوم، تهران: فرهنگسرا یساولی.
- یوسف‌پور، سوگل و فیاض انوش، ابوالحسن (۱۳۹۵). بررسی تاریخی پوشش سر در عصر تیموری (۹۱۱-۷۷۱ ه.ق.). تاریخ‌نامه خوارزمی، سال چهارم (۱)، ۲۲۳-۱۸۹.
- Oldenburg, Peter. (1976). *A king's book of kings (the shah-nameh of shah tahmasp)*, Imprimeries reunites.
- URL 1: <https://www.metmuseum.org/searchresults?q=Shah+nameh+of+shah+tahmasp> (Access date 29/1/2023)
- URL 2: https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/e/ec/The_Court_of_Gayumars.jpg (Access date 29/1/2023)
- URL3: <https://persianpdf.com/book/%D8%B4%D8%A7%D9%87%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87%D8%A8%D8%A7%DB%8C%D8%B3%D9%86%D8%BA%D8%B1%DB%8C/> (Access date 8/9/2023)

Received: 2023/03/08

Accepted: 2023/06/20



A Comparative Study of Men's Head Covering in the Timurid and Safavid Periods: A Case Study of the Illustrations of Shahnameh Baysonghori and Shah Tahmasabi

Alireza Sheikhi* Raziye Enayati Zeinab Makhmali***
Maryam Tavasolijan**** Najmeh Saffari*******

Abstract

Head covering is one of the components of Iran's clothing culture, which, while inducing special concepts, has considerable diversity and is representative of social classes. The aim of the article is to understand the role and form of men's head covering in the Timurid and Safavid periods. Therefore, the research seeks to find out what the role, form and variety of head covering was in these two periods according to the illustrations of Shahnameh Baysonghori and Shah Tahmasp. And what are the similarities and differences between these courses? The research approach is qualitative, and the method is descriptive, historical and comparative. In this historical process, the shape and form of hats, war helmets, turbans and crowns in the two Shahnamehs have been analyzed. The research findings indicated that men's head covering of the Safavid period was influenced by the head covering of the Timurid period, but it can be said that in the Safavid period, the diversity of the form and the role of the headgear changed a lot compared to the previous period. Furthermore, according to the style, form, color and decoration of hats and headgear, one can understand the social position of people wearing the headgear cover. As a result of the Safavids' change of religion from Sunni to Shiites, we witnessed extensive changes in the area of men's head covering during this time. The Qazalbash crown or turban of 12 Turks with a red rod, which was the symbol of the Shiites of the Twelve Imams, is one of its prominent examples.

Keywords: Timurid, Safavid, Shahnameh of Baysonqori, Shahnameh of Shah Tahmasabi, Cover of the head

* Associate Professor, Applied Arts, University of Art, Iran (Corresponding Author).

a.sheikhi@art.ac.ir

** Master's Degree in Islamic Art, Ferdows Institute of Higher Education, Iran.

Enaiaty5@gmail.com

*** B.A. in Fashion Design, Alzahra University of Mashhad, Iran.

makhmali1379@gmail.com

**** B.A. in Fashion Design, Alzahra University of Mashhad, Iran.

Maryam.tavasolijann@gmail.com

***** B.A. in Fashion Design, Alzahra University of Mashhad, Iran.

Najme.saffari7792@gmail.com